

## بررسی نقش برنامه‌های خشن تلویزیونی بر رفتار کودکان

پوهنیار ذبیح‌الله فاتح

استاد پوهنچی علوم اجتماعی پوهنتون بلخ zabiullahft1990@gmail.com

### چکیده

بسیاری از کشورها والدین به کودک می‌آموزند که تماشای تلویزیون نظم و قاعده‌ای دارد و باید فقط برنامه‌های مخصوص خودش را تماشا کند. اما متأسفانه در کشور ما به‌طور معمول، تماشای تلویزیون توسط کودکان با باید و نباید خاصی همراه نیست، بین والدین توافقی در این باره وجود ندارد و کودکان، همه ساعات شبانه‌روز کنار والدین همه برنامه‌های تلویزیون را تماشا می‌کنند. گاهی اولین و ساده‌ترین راه برای آرام کردن بعضی خانواده‌ها حتی برای خواباندن کودک هم از تلویزیون، مایل و سایر برنامه‌های ویدیویی استفاده می‌کنند. این تحقیق نیز به بررسی نقش برنامه‌های خشن تلویزیونی بر رفتار کودکان پرداخته است. اطلاعات در این تحقیق از کتب، مجلات، مقالات و سایر منابع معتبر علمی جمع‌آوری گردیده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد تماشای خشونت تلویزیونی، در زندگی آینده کودکان باعث می‌شود کودکان در درون خود، خشونت را مهیج، جذاب و واقعی ببینند. ستیزه جویی‌های جسمانی؛ نظیر دعوا کردن و بر هم زدن بازی دیگران و زورگویی را در کودکان افزایش می‌دهد.

واژگان کلیدی: تلویزیون، خشونت، خشونت تلویزیونی، کودکان، آثار منفی تلویزیون

## مقدمه

تلویزیون جز جدایی ناپذیر فرنیچرخانه‌ها است و عملاً هر خانه حداقل یک پایه تلویزیون دارد. بنابراین، کودکان در دنیایی متولد می‌شوند که از ابتدا تلویزیون در آن وجود دارد. در آغاز احتمالاً کودک به شنیدن برنامه‌های می‌پردازد که شخص دیگری آنرا انتخاب کرده است، اما دیری نمی‌گذرد که کودک خود شروع به کشف جهان تلویزیون می‌کند و به سلیقه‌ها و ارجحیت‌های خاص خود شکل می‌دهد. در یک سطح ممکن است این امر واکنشی به اهمیت نسبی تلویزیون در زندگی کودکان تلقی شود. از این رو، غالباً اینگونه تصور می‌شود که امروزه کودکان به جای درس مکتب یا هر فعالیت دیگری به استثنای خواب، زمان بیشتری را صرف تماشای تلویزیون می‌کنند. با وجود پیدایش رسانه‌های جدید، آمارها حاکی از آنند که تلویزیون همچنان وسیله‌ی برتر در زندگی کودکان است حتی کشورهایی که دارای دسترسی سطح بالایی به تکنولوژی کامپیوتر هستند از این امر مستثنی نیستند (Livingstone and Bovill, 2001; Roberts and Foehr, 2003). تشخیص کودکان به عنوان مخاطبان «خاص» تلویزیون، صرفاً موضوع ساده‌ی مشخصه‌های تماشای تلویزیون نیست. برعکس، این امر انواع فرضیات آرمانی و اخلاقی را در این رابطه مطالبه می‌کند، که ما اعتقاد داریم کودکان با گسترش معنایی بزرگسالان چگونه باید باشند. همانطور که از پیشینه‌ی کودکی بر می‌آید، تعریف و جداسازی کودکان به عنوان طبقه‌ی اجتماعی مجزا، به خودی خود پیشرفتی نسبتاً جدید است، که به شکل مشخصی در جوامع صنعتی شده‌ی غربی مورد پذیرش واقع شده است (Aries, 1973; Hendrick, 1997).

ازسوی دیگر تلویزیون پدیده‌ای که اکنون بیشترین استفاده را در افغانستان دارد، که می‌تواند از لحاظ روانی اثرات مثبت و منفی را داشته باشد. در این مقاله نیز به نقش برنامه‌های خشن تلویزیونی بالای رفتار کودکان پرداخته‌ایم.

## بیان مسأله

روانشناسان دوران کودکی و نوجوانی را از بنیادی‌ترین مقاطع رشد دانسته‌اند و معتقدند شخصیت افراد در این دوران پایه‌ریزی می‌شود. به تعبیر دیگر باورها، عادات و رفتارهای اولیه افراد در این دوران شکل می‌گیرد. در بین عوامل مؤثر در شکل‌گیری الگوهای فکری، هیجانی و رفتاری افراد، افزون بر خانواده، دوستان و مدرسه، وسایل ارتباط جمعی نیز نقش قابل توجهی ایفا می‌کنند؛ به طوری که تحقیقات نشان می‌دهند وسایل ارتباط جمعی، بویژه تلویزیون، از جمله عوامل مهم و اثرگذار بر سبک زندگی فردی و اجتماعی افراد است (اسمی و همکاران، ۱۳۸۹ ص ۹۴). سلطه این ابزار به حدی است که حتی خصوصی‌ترین تجربه‌های انسانی، از جمله هیجان‌ها و احساسات عمیق انسان را برمی‌انگیزد و در جهت دلخواه خود هدایت می‌کند (نیومن، ۱۹۹۷ به نقل از حسینی ۱۳۷۹).

بر اساس نظریه تأثیر محدود رسانه‌ها، که لازارسفلد<sup>۱</sup> و برسون<sup>۲</sup> ۱۹۴۰ مطرح کردند، پیامهای ارتباطی قادر نیستند در عقاید و رفتار افراد تغییرات بنیادی به وجود آورند، بلکه می‌توانند به صورت محدود آنها را تحکیم بخشند و برای تأثیرگذاری باید زمینه قبلی وجود داشته باشد. بر این اساس، رویکرد تأثیر محدود رسانه‌ها برای شاخص‌های غیر ارتباطی نظیر سن، شغل، خانواده، تحصیلات و... در تأثیربخشی پیام‌های ارتباطی بر مخاطبان اهمیت زیادی قائل است (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷ به نقل از اسمی و همکاران ۱۳۸۹ ص ۹۶). تلویزیون بیش از رسانه‌های دیگر زمینه را برای جلب توجه کودکان و نوجوانان فراهم نموده و وقت زیادی از اوقات فراغت این قشر را به خود اختصاص می‌دهد. در اینجا محقق به دنبال بررسی نقش برنامه‌های خشن تلویزیونی بر رفتار کودکان می‌باشد.

## اهداف تحقیق

هدف اصلی این مقاله، دریافت نقش برنامه‌های خشن تلویزیونی بر رفتار کودکان می‌باشد.

<sup>1</sup> Lazarsfeld

<sup>2</sup> Berlson

**اهداف فرعی**

- دریافت نقش برنامه‌های خشن تلویزیونی بر اضطراب کودکان
- دریافت نقش برنامه‌های خشن تلویزیونی بالای برانگیختگی فزیولوژیک کودکان
- دریافت اثرات روانی برنامه‌های خشن تلویزیونی بالای کودکان

**اهمیت و ضرورت تحقیق**

یکی از ویژگی‌های متمایزکننده تلویزیون کیفیت و جذابیت آن است تصاویری پویا به شکل نمادین، همراه با زبان و صدا و موسیقی منتقل می‌کند. از این رو، کلیه شرایط لازم برای توجه و جذب در این رسانه فراهم آمده است و این ویژگی تلویزیون را به قدرتمندترین رسانه جمعی از سایر رسانه‌ها متمایز می‌کند. تمرکز و توجه چشم و گوش را می‌طلبد، توجه را به حرکت در یک فضای کوچک معطوف می‌کند. استفاده‌کننده به هر جای که بخواهد تلویزیون را قرار بدهد و بدون آن که زحمت را متقبل شود، حتی بدون بلند شدن از جای خویش می‌تواند با استدیوی خبری، ورزشی، موسیقی ... رابطه برقرار نماید. بنابراین، از طریق تجربه کردن روش نمادینی که رسانه‌های گوناگون را از یکدیگر متمایز می‌کند، کودکان این امکان را به دست می‌آورند تا آن دسته از مهارت‌های لازم فکری را کسب کنند که موجب می‌شود با تأثیر بیشتری از طریق آن رسانه‌ها یاد بگیرند. یادگیری از طریق رسانه‌ها، بستگی به پرورش کافی رفتارهای مربوط به مهارت‌های کلی و نیز مهارت‌هایی دارد که برای استفاده از رسانه‌ای خاص به شکل ویژه موردنیاز است. از سوی دیگر، تلویزیون وسیله‌ای برای بمباران اطلاعات است، و همین دو علت تأثیرات تلویزیون بسیار عمیق و ماندگار است.

انسان‌ها هر سنی که داشته باشند یک فعالیت اصلی و محوری دارند که گذراندن زمان در آن سن، حول آن محور است. این فعالیت اصلی در طول زمان (به خاطر طبع خاص انسان‌ها) برای انسان ملال آور می‌گردد. این تنوع اولاً، غیراز آن فعالیت اصلی باشد و ثانیاً زمان خارج از آن فعالیت باشد تا آسیبی به این فعالیت اصلی نرسد. کودک نیز این امر مستثنی نیست. فعالیت اصلی کودک پیش از مکتب بازی، و بعد از مکتب درس است. طبیعی است که کودک از بازی و درس خسته می‌شود و نیازمند یک فعالیت جانبی می‌گردد تا اوقات خالی از فعالیت اصلی را پرکند و خستگی‌های خود را برطرف کند. تلویزیون یکی از بهترین چیزهای است که می‌تواند اوقات فراغت کودک را پرکند.

تلویزیون می‌تواند ابزاری ارزشمند نه تنها برای مشغول کردن کودکان باشد، بلکه اگر به وسیله مدیریتی هدفمند بابرنامه‌ریزی صحیح اداره شود، می‌تواند با کارکردهای پنهان زیادی که دربردارد، به عنوان وسیله‌ای سازنده به خوبی اوقات خالی آنان را پر کند. پس بررسی کردن نقش برنامه‌های خشن تلویزیونی بر رفتار کودکان عاری از کمک برای والدین نخواهد بود تا باشد اطلاعات بیشتر گردد و زمینه استفاده بهتر از برنامه‌های تلویزیونی برای فرزندان خویش در نظر گیرند.

**روش تحقیق**

این تحقیق از نظر ماهیت توصیفی، از نظر هدف کاربردی بوده و برای جمع‌آوری اطلاعات از کتب، مقالات و سایرمنابع معتبرعلمی استفاده به عمل آمده است. تحقیقات توصیفی به دنبال چستی و چگونه بودن موضوع است و می‌خواهد بداند ماهیت پدیده، متغیر شی یا مطلب چیست و چگونه است. تحقیقات توصیفی هم جنبه کاربردی و هم جنبه مبنای دارد. در بعد کاربردی از نتایج تحقیقات در تصمیم‌گیری‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها استفاده می‌شود.

**پیشینه تحقیق**

در سال ۱۹۵۵ مک کابی، لوین و سیلیا تحقیق را تحت عنوان تاثیرانگیختگی عاطفی بریادداری محتوای پرخاشگران و غیرپرخاشگرانه انجام دادند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که کودکانی که درست پیش از دیدن یک فیلم دچارناکامی شده بودند، در مقایسه با کودکانی که دچارناکامی نشده بودند محتوای پرخاشگرانه فیلم را بیشتربه یادمی‌آورند(مک کابی، لوین و سیلیا، ۱۹۹۵: ۳۵۹). اما این محققان در سال ۱۹۵۶ در همین زمینه تحقیق دیگری را انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که هیچ تفاوت معنی‌داری بین دو گروه فوق از نظر یادآوری محتوای پرخاشگرانه فیلم وجود ندارد. همچنین مک کابی و دبلیو سی، ویلسون در سال ۱۹۵۷ تحقیق تحت عنوان همانندسازی و فراگیری مشاهده از فیلم‌ها انجام دادند؛ محققان در یافتند کودکان با

شخصیت اصلی همجنس خود و شخصیت‌های که همانند شخصیت‌های طبقه او هستند همزاد پنداری می‌کنند(مک کابی، ۱۹۵۷: ۵۷-۷۶).

در سال ۱۹۶۱ تحقیقی به سرپرستی ویلبرشرام و همکارانش تحت عنوان تلویزیون در زندگی کودکان ما انجام گرفت. نتیجه این تحقیق نشان داد، بین تماشای تلویزیون و پرخاشگری کودکان ارتباط وجود ندارد، اما تماشای تلویزیون می‌تواند در آن دسته از کودکانی که از لحاظ عاطفی ضربه خوردند پرخاشگری را تشدید کنند(شرام، لبل و پارکر، ۱۹۶۱).

در دهه ۱۹۶۰ دو محقق بنام های بندورا و برکویتز آزمایش‌های را برای کشف رابطه‌ای بین تماشای خشونت تلویزیونی و رفتار پرخاشگرانه کودک انجام دادند، نتیجه تحقیق این دو محقق نشان داد؛ کودکان از مدل‌های پرخاشگری فلم‌ها تقلید و از آن‌ها سرمشق می‌گیرند(بندورا و و برکویتز، ۱۹۶۰).

در سال ۱۹۷۲ تحقیقی در باره تلویزیون و رفتار اجتماعی از طرف کمیته مشاوره علمی وزارت صحت در آمریکا انجام گرفت، نتیجه این تحقیق آن بود که، تماشای خشونت تلویزیونی می‌تواند منجر به افزایش پرخاشگری در رفتار کودکان شود(کمیته مشاوره وزارت صحت آمریکا، ۱۹۷۲، ۱۳۹).

در سال ۱۳۹۱ تحقیقی توسط فولادی‌راد با هدف بررسی رابطه بین تماشای تلویزیون و خشونت کودکان از دیدگاه مربیان مدارس و مشاوران کلینیکی صورت گرفت نتایج نشان داد، مربیان مدارس بیشتر از مشاوران کلینیکی بر این باورند که تلویزیون نقشی قوی، گسترده و مستقیم در خشونت تلویزیونی دارد - مشاوران کلینیکی بر خلاف مربیان مدارس اعتقاد به نقش تحصیلات خانواده در میزان تأثیرپذیری کودکان از خشونت تلویزیونی ندارند - مربیان مدارس و مشاوران کلینیکی هر دو موافقت می‌کنند که کودکانی که در خانواده‌های پرتنش زندگی می‌کنند، بیشتر از دیگر کودکان از خشونت تلویزیونی تأثیر می‌پذیرند (فولادی راد، ۱۳۹۱: ۱۱۳-۱۲۵).

امینی و همکاران تحقیقی را در سال ۱۳۸۹ تحت عنوان نقش تماشای تلویزیون در ایجاد چاقی و مشکلات رفتاری کودکان انجام دادند، نتایج نشان داد کودکان چاق و دارای اضافه وزن نسبت به گروه دارای وزن طبیعی، ساعات بیشتری را صرف تماشای تلویزیون کرده سطح فعالیت پایین‌تری برخوردار بوده‌اند. و بین مدت تماشای طولانی‌تر تلویزیون در کودکان با افزایش وزن آنها رابطه‌ای معنی‌دار مشخص شده است(امینی و همکاران، ۱۳۸۹).

در تابستان ۱۴۰۱ دو محقق به نام‌های قجری و پشت‌مساری تحقیقی را تحت عنوان تحلیلی بر نقش شخصیت‌های کارتونی غیرایرانی در الگوپذیری فرهنگی کودکان از منظر والدین در شهر صومعه‌سرا ایران انجام دادند، نتایج نشان داد؛ کودکان بین ۳ تا ۴ ساعت در روز به تماشای کارتون می‌نشینند و یافته‌ها گویای این است «از منظر والدین بین تماشای کارتون‌های غیرایرانی و الگوپذیری فرهنگی، اخلاقی، رفتاری و سبک زندگی در کودکان رابطه معناداری وجود دارد»(قجری و پشت‌مساری، ۱۴۰۱: ۸۹-۱۱۸).

تحقیق دیگری در انگلستان نیز نشان می‌دهد که هیچ‌گونه تصویر واقعی از کودکان در مطبوعات ارائه نمی‌شود (عصام، ۱۳۸۳: ۲۶۹ به نقل از ودودی ۱۳۸۹: ۱۰۲).

در سال ۱۳۸۱ تحقیقی توسط توسلی و فاضل تحت عنوان تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رفتار والدین بر اثربخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان انجام داد، دریافت: بین تماشای خشونت تلویزیونی و نگرش و رفتار خشونت آمیز در کودکان رابطه مثبت و معنی‌دار وجود دارد. اما با لحاظ کردن پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رفتار والدین با کودک مشخص شده که تماشای خشونت تلویزیونی با تأیید خشونت و توسل به خشونت در میان پایگاه‌های اجتماعی-اقتصادی مختلف متفاوت است(توسلی و فاضل، ۱۳۸۱: ۱۱۵-۱۴۷).

### تلویزیون و خشونت تلویزیونی

تلویزیون به لحاظ نقش سرگرم‌کنندگی، آموزشی، تفریحی، تبلیغی خود از جهات بسیاری مورد توجه قرار می‌گیرد و روز به روز به گستره توفیق آن افزوده می‌شود. استقبال از تلویزیون دست اندرکاران را بر آن داشته است تا با بهره‌مندی از مخاطبان بی‌شمار جهانی، به سپاه مصرف‌کننده خود بیافزایند و به تبلیغات تجاری ابعاد جهانی ببخشند. برآوردهای انجام شده حاکی از

آن است که به طور متوسط هریک از افراد تاهنگام مرگ ۱،۵ سال عمر خود را صرف تماشای برنامه‌های تبلیغاتی تلویزیون می‌کند (کریمی پور، ۱۳۸۷: ۲۶).

کودکان در خردسالی به طور کامل و واضح نمی‌توانند بین واقعیت و خیال مرزی قائل شوند، ممکن است هر آنچه در تلویزیون می‌بینند واقعی بپندارند. بنابراین چنانچه شاهد برنامه‌های با محتوای ناخوشایند باشند، به احتمال زیاد تاثیر زیانباری بر الگوهای فکری، هیجانی و رفتاری آنها خواهند داشت. از این رو باید به پدر و مادر آموزش داد که از فرزندانشان بخواهند آنچه را که در برنامه‌های تلویزیونی می‌بینند با اتفاقات واقعی مقایسه کنند. آنان باید به کودکان تفهیم کنند که تلویزیون در واقع مانند گوینده یک داستان است که داستانهای آن ساختگی است. آنان می‌توانند به زبان‌های ساده به کودکان تفهیم کنند که چگونه از جنبه‌های فناورانه مانند موزیک و نورپردازی، برای تحت تاثیر قرار دادن هیجان‌ها و عواطف مخاطبان بهره برداری می‌شود (حکیم آرا، ۱۳۸۸: ص ۲۴۵).

**جهانی شدن و خشونت در رسانه:** این معضل (خشونت در رسانه) همراه با روند جهانی شدن، تنها به رادیو و تلویزیون و جراید محدود نمی‌شود چنان که در حال حاضر رسانه‌های نوین ارتباطی را نیز محمل جدید خود ساخته است. برای مثال اینترنت به عنوان رسانه نوین ارتباطی با گستره وسیع که استفاده از آن امروزه در بین خانواده‌ها و به خصوص نوجوانان بسیار رایج است، در عین حال که عرضه کننده اطلاعات مثبت و مفید است در بسیاری از موارد می‌تواند حامل پیام‌های خشونت بار و خطرناک باشد. بنابر مطالعات متعدد خشونت رسانه‌ای تأثیرات ناهنجار مختلفی بر مخاطبان بویژه کودکان و نوجوانان دارد. خشونت رسانه‌ای، به ویژه به کودکان زیر ۸ سال صدمات روحی و جسمی جبران ناپذیری وارد می‌کند؛ زیرا آنها نمی‌توانند به راحتی تفاوت بین دنیای حقیقی و خیالی را درک کنند. (شفیعی، ۱۳۸۳: ۲۴).

#### نظریه کاشت

نظریه کاشت کار عمده جرج گربرنر و همکارانش است. گربرنر و همکارانش نگران آن بودند که چگونه خشونت که از تلویزیون به نمایش در می‌آید ترسی را که مردم از جنایت در پیرامون خود دارند تشدید می‌کند. (توسلی، ۱۳۸۰: ۹۱). بنا بر نظر گربرنر کسانی که مقدار زیادی از برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیونی را تماشا می‌کنند نسبت به جهان نگاه واران‌ای دارند. یعنی این باور در آنان تقویت می‌شود که جهان خشن است و باید از آن ترسید. گربرنر همچنین تصریح می‌کند که برنامه‌های خشونت‌بار تلویزیونی، حساسیت نسبت به خشونت را در دنیای واقعی، در میان بینندگان این برنامه‌ها از میان می‌برد (فاضل، ۱۳۸۷: ص ۱۸۴). به نظر گربرنر، تاثیر تجربه مداوم یک جهان نمادین که به طور وسیع تحت حاکمیت خشونت است و در آن گروه‌های خاصی از افراد کمتر به نمایش در می‌آیند و به طور خشن با آنها رفتار می‌شود، پیامدهای وسیعتری از یادگیری صرف رفتارهای خشونت بار اتفاقی دارد (بری، ۱۳۸۴: ۳۱۱-۳۱۰). نقدهایی که به مرور، بر نظریه کاشت جرج گربرنر وارد شد، او را واداشت که با دست زدن به اصلاح نظریه خود، دو مفهوم بنیادی متداول سازی و تشدید را به آن اضافه کند.

**متداول سازی:** تماشای زیاد تلویزیون باعث می‌شود بینندگان عقاید مشابه، یکسان یا نزدیک به هم پیدا کنند، حتی اگر از لحاظ وضعیت اقتصادی و تربیت خانوادگی به یک سطح اجتماعی تعلق نداشته باشند. حال آنکه افرادی که کمتر تلویزیون می‌بینند، عقاید مختلف و متفاوتی دارند (سورین و تانکار، ۱۳۸۴: ۳۹۲-۳۹۱).

**تشدید:** هرچه محیط زندگی واقعی بینندگان شباهت بیشتر و نزدیکتر به وضعیتی داشته باشد که از تلویزیون نمایش داده می‌شود، اثرات تشدید بیشتر می‌شود و به این ترتیب بینندگان به سمتی می‌روند که پاسخ‌های واقعی آنان بر پایه ذهنیات شکل گرفته از تلویزیون باشد. به عبارتی، در صورتی که مشابه و مصداق خشونت که از تلویزیون پخش می‌شود، در محیط زندگی واقعی تماشاگر اتفاق بیفتد، اثرات کاشت، شدت می‌یابد. (گربرنر، ۱۹۹۴: ۲۷). در مجموع می‌توان نتیجه گرفت بر خلاف تصویری که گربرنر از مخاطبان تلویزیون ارائه داده است، بینندگان لزوماً آنچه را می‌بینند به عنوان واقعیت نمی‌پذیرند (حالت منفعل ندارند) تحت تاثیر عوامل متعددی، هر بیننده ممکن است تفسیر خاص خود را از آنچه در تلویزیون می‌بیند، ارائه دهد. (شرام و دیگران، ۱۳۷۷: ص ۶۷).

### کودکان چه وقت تلویزیون تماشا می کنند؟

این یک سوال مهم است و با افزایش ساعات تلویزیون بیشتر می شود. نگرانی اصلی این است که بچه ها شب ها تا دیروقت بیدار بمانند تا تلویزیون تماشا کنند. یکی از دلایل این نگرانی این است که بعد از ساعت نه شب که صدا و سیما ایران آن را حوضه آب می داند، ممکن است برنامه هایی پخش شود که برای تماشای بزرگسالان مناسب باشد اما لزوماً برای کودکان مناسب نیست.

مشاهده ارقام تولید شده برای صنعت تلویزیون در بریتانیا برای سال ۱۹۹۵ نشان می دهد که کودکان ۴ تا ۱۵ ساله در طول روز تلویزیون تماشا می کنند. پیکها دو بار اتفاق می افتد: اول، در صبح و دوم، نیمه شب در آخر هفته ها یک یا دو ساعت دیرتر از روزهای هفته اتفاق می افتد و آخر هفته به سطح بسیار بالاتری می رسد. صبح های شنبه، از هر چهار کودک، یک کودک بین ساعت ۹ صبح تا ۱۰ صبح تلویزیون تماشا می کند. اوج دید برای کودکان بین ساعت ۵ بعد از ظهر تا ۹:۰۰ بعد از ظهر اتفاق می افتد و سطح تماشا به سرعت بعد از ساعت ۹:۰۰ کاهش می یابد. در روزهای هفته و یکشنبه در عصر شنبه، تماشای کودکان تا ساعت ۱۱:۰۰ شب در سطح بالایی باقی می ماند (Gunter & McAleer, 2005 : p6)

### کودکان چی وقت به مشاهده تلویزیون شروع می کنند؟

تلویزیون جزء جدایی ناپذیر مبلمان خانه است و عملاً هر خانه حداقل یک دستگاه دارد. بنابراین، کودکان در دنیایی متولد می شوند که تلویزیون از ابتدا در آن حضور دارد. اما واقعاً تماشا کردن از چه نقطه ای در دوران کودکی آغاز می شود؟ منابع شواهد مختلفی در این مورد وجود دارد. گزارش های والدین در مورد تماشای فرزندان نشان داده است که تماشای مداوم بین ۲ تا ۳ سالگی شروع می شود. ویلبر شرام و همکارانش بر اساس شهادت والدین، میانگین سنی تماشای تلویزیون را ۲٫۸ سال گزارش کردند (Schramm, Lyle & Parker, 1961). به دنبال شرام، مشاهدات منتشر شده دیگر حاکی از توجه تدریجی رو به رشد از حدود ۲ سالگی است. تحت شرایط ساختگی تر، محققان افزایش شدیدی را در دفعات نگاه کردن به صفحه تلویزیون در سن ۲٫۸ سالگی مشاهده کرده اند. این افزایش با افزایش شدید مشابهی در میزان تماشای همان کودکانی که توسط والدین گزارش شده بود در خانه مرتبط بود (Levin and Anderson, 1976 به نقل از Gunter & McAleer, 1997: p4). حتی با وجود اینکه کودکان به وضوح شروع به نگاه کردن به تلویزیون حتی در دوران نوزادی می کنند، این مجموعه به هیچ وجه توجه دائمی آنها را جلب نمی کند. هنگامی که کودکان ۳ تا ۵ ساله در حین تماشای خیابان سیستمی تحت نظر بودند، کودکان حدود ۲۱۵ بار در ساعت به تلویزیون نگاه می کردند و از آن دور می شدند. تقریباً ۷۵ درصد از نگاهها کمتر از شش ثانیه طول داشتند (Gunter & McAleer, 1997: p4).

### مدت زمان تماشای تلویزیون و تأثیر آن

کودکان در سالهای نخستین زندگی خود این آمادگی را دارند تا مطالب بسیاری درباره زندگی و جهان پیرامون خود بیاموزند. تلویزیون با ویژگی های خاصی مانند جذابیت های تصویری و جاذبه های حرکتی و ... منبعی برای یادگیری است. (بری و جیل، ۱۳۸۲: ص ۳۶) گاهی کودکان در سنین پایین (۷ تا ۱۲) سال در برابر تلویزیون، گیرنده کاملاً منفعلی هستند و رفتارها، هنجارها و نگرشها را بر اساس یادگیری و تقلید از طریق مشاهده فرا می گیرند. (عزیزی، ۱۳۸۳ ص ۵۵). برخی از اندیشمندان با طرح پرسشهای غیرمستقیم از کودکان و ربط دادن پاسخ آنها به رفتارشان، به این نتیجه رسیده اند که دلایل تماشای تلویزیون توسط کودکان، دست کم به سه دسته بزرگ تقسیم می شوند. اولین دسته از این دلایل که حجمی چندین برابر دسته دوم دارد، شامل گذراندن اوقات فراغت است. کودکان وقتی با این هدف به تماشای تلویزیون می نشینند بیشتر، خواهان برنامه های شاد و سرگرمی ها ساده و پرهیجان هستند. در این مرحله، توجه کمتری به برنامه های آموزشی شده و آرامش بخشترین برنامه ای که موجب افزایش احساس خوش بینی و امنیت خاطر مخاطبان می شود، برنامه های خانوادگی است. به دلیل آن که اوقات فراغت برای همه انسانها، به خصوص کودکان، باید پاسخگوی بسیاری از نیازها باشد، این کارکرد تا وقتی می تواند مفید باشد که جایگزینی برای همه فعالیت های جنبی کودک نگردد (آذری، ۱۳۷۷: ص ۷۷).

تحقیقات نشان می دهد که کودکان و نوجوانان ایالات متحده آمریکا، در حدود ۴ ساعت در روز تلویزیون تماشا می کنند و به این ترتیب اگر تا پایان مقطع کودکی به همین روال ادامه دهند، در مجموع حدود ۸۰۰۰۰۰۰۰ ساعت را تماشا کرده اند. کودکانی که نمی توانند واقعیت را از خیال تمیز دهند شاید نتوانند درک کنند که خشونت در دنیای واقعی، به افراد صدمه می زند و موجب کشته شدن آنان می شود در نتیجه الگوهای نامناسب رفتاری در وجودشان شکل می گیرد. همچنین آمارها نشان می دهد که در این کشور، کودکان و نوجوانان به طور متوسط، در هر سال، ۲۰۰۰ آگهی را تماشا می کنند که تماشای بعضی از آنها به سود کودکان و نوجوانان نیست و پیامدهای جسمی و روانی نامطلوبی به دنبال دارد (علوی نیا، ۱۳۸۳:ص ۱۳).

این نکته را باید در نظر داشت که تأثیرات تماشای تلویزیون، بر همه کودکان و نوجوانان یکسان نیست و به عوامل گوناگونی بستگی دارد. فضا و موقعیتی که در آن کودکان و نوجوانان تلویزیون تماشا می کنند، یکی از عواملی است که تجربه آنان را از محتوای رسانه تحت تأثیر قرار می دهد. بدیهی است که نقش اعضای خانواده بویژه والدین نیز در این فضا دارای اهمیت است. دیدگاه والدین در مورد رشد و زندگی بهتر برای کودکان و نوجوانان و طرز تلقی و شیوه استفاده آنان از تلویزیون، بر واکنش کودک در برابر محتوای این رسانه مؤثر است. کودکان و نوجوانان امروز، دنیایی بسیار متفاوت از دنیای کودکان قرن های پیش را تجربه می کنند از همین رو نیل پستمن، جامعه شناس و نویسنده کتاب «ناپدید شدن دوره کودکی» میگوید: سابق بر این، یکی از تفاوت های مهم بزرگ ترها و کوچکترها این بود که بزرگ ترها مطالبی را می دانستند که بچه ها نمی دانستند اما تلویزیون این کیفیت را تغییر داده است» (ودودی، ۱۳۸۹: ص ۸۹).

علاوه بر مدت زمان تماشای تلویزیون، محتوا و تأثیر برنامه های آن نیز همواره مورد انتقاد قرار می گیرد. منتقدان بر این باورند که این رسانه همان گونه که می تواند آگاه کند، بیاموزد، روشن کند، ترغیب کند، الهام بخشد و احساس برانگیزد، می تواند آسیب برساند و گمراه کند. کارتون ها و برنامه هایی که در ساعات پربیننده پخش می شوند، بیشتر حاوی خشونت زبانی و بدنی هستند و از آنجا که در رأس مخاطبان اولیه تولیدات رسانه ای، کودکان و نوجوانان قرار دارند، بیش تر باید به نتایج اجتماعی تلویزیون توجه کرد (مورتمر، ۱۳۷۲: ص ۷۱).

روانشناسان بر این عقیده اند که درک اطفال از تلویزیون با درک و احساس بزرگسالان متفاوت است بنابراین چه بسا موجب انحراف فکری آنان شود زیرا تلویزیون به آنان می فهماند خشونت آسان ترین راه حل بسیاری از مشکلات است که هم شخصیت های مثبت آن را به کار می گیرند و هم شخصیت های منفی و همیشه پایان خوشی دارد. جای نگرانی دارد که این وابستگی به خشونت، در زندگی آینده کودکان باعث میشود در درون خود، خشونت را مهیج، جذاب و واقعی بپندارند. جان کُندری، تلویزیون را « وقت ربا» میخواند و تأثیر آن را بر کودکان از لحاظ «وقتی که صرف می شود»، مورد بررسی قرار می دهد. وی در مقاله ای با عنوان «دزد وقت، خدمتکار بیوفا» مینویسد: قرار است تلویزیون برای بچه ها که نیازمند آشنایی با محیط و دنیای اطراف خود هستند پنجره ای به سوی جهان واقعی باشد اما این وسیله اغلب تصویری دگرگونه به آنان می دهد. دکتر کُندری نتیجه می گیرد که تلویزیون نمی تواند برای کودکان منبع مفید اطلاعات باشد زیرا افکار غلط و غیرواقعی به آنان ارائه می کند. وی با اشاره به نظریه جایگزینی، به انتقاد از تلویزیون میپردازد: «قتی اطفال ساعتها پیشروی تلویزیون می نشینند، فواید دیگر فعالیت هایی را که می تواند به پیشرفت آنان بینجامد از دست می دهند و این تازه اول کار است زیرا محتوای تلویزیون بر شخصیت، باورها و رفتار کودکان تأثیر می گذارد» (کُندری، ۱۳۷۴: ص ۳۳).

#### آثار زیستی برنامه های تلویزیونی بر روی کودکان

**اضطراب و دلهره:** اضطراب یکی از تبعات احتمالی فیلم ها و کارتون های تلویزیونی (بخصوص اکشن) است که محققان مورد توجه و بررسی قرار داده اند. طی یک تحقیق میدانی، ودودی دریافت که در جریان تماشای فیلم های اکشن، دلهره شدیدی در تماشاگران ایجاد می شود به نحوی که به نظر می رسد کنترلی بر رفتار خود ندارند. آنان نه تنها در حین تماشای فیلم و کارتون از الفاظ نامناسب استفاده می کنند بلکه با حرکات خشن اطرافیان را از خود دور می کنند و از آنان می

خواهند تا سروصدا نکرده و حرف نزنند. علاوه بر این، تماشاگران بدون آنکه متوجه باشند، تحرک بدنی زیادی از خود نشان می‌دهند چهره شان را منقبض می‌کنند و ابروهایشان را به شکل غیرعادی به حرکت در می‌آورند. بروقتون (Broughton) و پرلستروم (Perlestrom) در پژوهشی که در مورد تجربیات روان حرکتی (Psychokinesis) در حین تماشای فیلم‌های سینمایی روی ۸۶ شاگردان انجام دادند، همبستگی متقنی بین تماشای فیلم‌های اکشن و اضطراب یافتند. بنابراین ملاحظه می‌شود فیلم‌های پرهیجان، خشن و سرشار از زدوخورده، به افزایش اضطراب تماشاگران می‌انجامند.

**برانگیختگی فیزیولوژیک:** افزایش سطح برانگیختگی، با برخی رفتارها از جمله پرخاشگری مرتبط است. از این رو مطالعه این مسئله همواره مورد توجه محققان بوده است. از آنجا که (sculars Cardiora) به عنوان معیار مناسبی برای برانگیختگی فیزیولوژیک مورد تأیید بوده است، ضربان قلب، فشار خون سیستولیک (pressure systolic blood) و دیاستولیک (Diastolic) در بسیاری از پژوهش‌ها به عنوان معیار بررسی سطح برانگیختگی، مورد مطالعه قرار گرفته است. زیلمان (Zillman) در سال ۱۹۷۱ نشان داد که یکی از اثرات تلویزیون بر بینندگان، افزایش سطح برانگیختگی آنان است. سیلورن (Silvern) و ویلیامسون (Williamson) نیز دریافتند که تلویزیون، در برانگیختگی کودکان مؤثر است و پرخاشگری آنان را افزایش می‌دهد. همچنین تریبِر (Treiber) و همکارانش در تحقیقی که در سال ۱۹۹۱ انجام دادند، نتیجه گرفتند احساس خصومت ناشی از تماشای فیلم در کودکان، با افزایش فشار خون (سیستولیک) آنان، به شکل معناداری ارتباط دارد.

#### اثرات روانی - اجتماعی تلویزیون بر کودکان

تلویزیون مانند هر پدیده اجتماعی دیگر، برخی از تبعات روانی اجتماعی را در پی دارد. خشونت و پرخاشگری، القای ارزش‌های فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و اعتیادی که بر اثر تماشای آن پدید می‌آید، برخی از این تبعات هستند. **القای خشونت و پرخاشگری:** خشونت، بزه کاری، جنایت و از بین بردن هرآنچه فراروی آدمی است، از اساسی‌ترین موضوع‌های مطرح در برنامه‌های تلویزیونی است. گاه مشاهده می‌شود که سر انسان‌ها به سادگی از بدنشان جدا می‌شود. شیوه‌های قتل با روش‌های نو، جدید و ارباب‌آوری به نمایش گذاشته می‌شود و گاه موجودات تخیلی، اسطوره‌های یا خرافی، پرخاشگری بی‌حد و مرزی را در فیلم یا کارتون به نمایش می‌گذارند. جای نگرانی دارد که این وابستگی به خشونت، در زندگی آینده کودکان موجب شود آنان در درون خود، خشونت را مهیج، جذاب و واقعی بپندارند. آماری در دست است که گویای فراگیری و رواج خشونت است چنان‌که برآورد شده است، هر جوان آمریکایی تا سن ۱۸ سالگی، ۲۰۰/۰۰۰ مورد خشونت در تلویزیون می‌بیند که ۴۰/۰۰۰ مورد آن قتل است. تی‌وی‌گاید (Guide TV) با بررسی برنامه‌های ده شبکه تلویزیونی در یک روز معمولی ۱۸ ساعته، ۱۸۴۶ مورد خشونت فردی یافته است یعنی در هر ساعت از ساعات پربیننده تلویزیون، ۶ تا ۸ عمل خشونت‌آمیز صورت گرفته است. خشونت امری عادی شده است مانند پرنده‌ای خوش‌خط و خال که در واقع نقش طعمه را دارد تا کسانی را که آسیب پذیرترند، به دنیایی تیره و تاریک بکشاند. تحقیقات نشان می‌دهد که تماشای خشونت در تلویزیون، ستیزه‌جویی‌های جسمانی - نظیر دعوا کردن و برهم زدن بازی دیگران - را در کودکان افزایش می‌دهد. اما سؤال این است که آیا افزایش ستیزه‌جویی، تأثیری بر فوران جنایات خشن خواهد داشت؟ بسیاری از محققان به چنین تأثیری معتقدند برای مثال به تحقیقاتی اشاره می‌کنند که نشان می‌دهد کودکانی که در هشت سالگی، خشونت تلویزیونی زیادی مشاهده می‌کنند، در ۳۰ سالگی تمایل بیشتری به ارتکاب جنایات خشن یا برای مثال: تنبیه فیزیکی اطفال خود دارند و هستند کسانی که معتقدند خشونت تلویزیونی، نوعی تخلیه هیجانی احساسات است نه محرک آن. در واقع، اثبات ربط کامل شرارت با تلویزیون، قدری دشوار است اما عقل سلیم حکم می‌کند که تأثیر تلویزیون چندان هم مطلوب تلقی نشود. حدود ۸۰٪ آمریکایی‌ها که خشونت تلویزیونی را برای جامعه مضر می‌دانند، مدعی اند خشونت تلویزیونی، بخش عمده‌ای از سرگرمی آنان شده است. مسئولیت اثبات این مدعا بر عهده کسانی است که خشونت و استفاده از آن را به عنوان سرگرمی ترویج می‌کنند (منطقی، ۱۳۸۰: ۹۹-۱۲۰).



با تحقیق در مورد تأثیر برنامه‌های خشونت‌آمیز تلویزیون بر کودکان و نوجوانان، معلوم می‌شود که آنان:

- ۱- ترس از خشونت ندارند.
  - ۲- به تدریج می‌پذیرند که خشونت راهی برای حل مشکل است.
  - ۳- به تقلید خشونت می‌پردازند.
  - ۴- ناخودآگاه با شخصیت‌های خاصی چه قربانیان و چه دیگران همانندسازی می‌کنند. شایان ذکر است که همانندسازی، ناآگاهانه و بسیار خطرناک است ولی الگوبرداری آگاهانه است (علل پرخاشگری در کودکان، <http://www.pezeshk.us> (1386/3/20)).
- در سال ۱۳۹۲ مطابق ۲۰۱۳ میلادی، کودکی به تأثیرپذیری از سریال ترکی که در یکی از رسانه‌های افغانستان به نشر می‌رسید با رویکرد خشن در ولایت غزنی افغانستان توسط هم‌بازی‌هایش به قتل رسید (خامه‌پرس، ۶ نوامبر ۲۰۱۳ و اطلاع رسانی افغانستان، ۱۵ عقرب ۱۳۹۲ کدخبر ۶۰۵۱۸).

به همین اساس ارگان‌های مسئول، تعلیم و تربیت از کودکان آغاز تا پوهنتون‌ها وظیفه دارند تا برنامه‌های آموزشی مفید و موثر برای پدران و مادران فردا و والدین امروز در زمینه‌های مختلف مرتبط با سبک زندگی بهتر فراهم آورند. مسلماً با آموزش والدین در جهت استفاده بهینه از تلویزیون و انجام اعمالی چون جایگزین کردن فعالیت‌های غیر تلویزیونی مانند کتاب، مجله‌های کودک و اسباب بازی، خاموش کردن تلویزیون هنگام غذا خوردن، قرار ندادن تلویزیون در اتاق خواب کودک، خودداری از تماشای تلویزیون توسط کودک در هنگام انجام وظایف درسی، انجام بازی‌های پرتحرک همراه با والدین، درست کردن کاردستی، ممنوع کردن تلویزیون در یک روز هفته، انجام فعالیت‌های ورزشی و رفتن به طبیعت و الگو بودن والدین جهت انجام فعالیت منظم کودکان می‌توان تا حدودی به این هدف نایل آمد (نوقابی و همکاران، ۱۳۹۲: ص ۱۴).

#### نتیجه‌گیری

نسل کنونی جامعه از ابتدای حیاتش با رسانه‌ها بزرگ می‌شود و در دنیای اطلاعاتی و ارتباطی امروز، این نسل، بخش عظیم فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه خود و دیگر جوامع را از رسانه‌ها دریافت می‌کند. به عبارتی در دوران معاصر که به عصر اطلاعات و جامعه اطلاعاتی و ارتباطی معروف است، بخش عظیمی از جامعه‌پذیری نسل‌ها از طریق رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون انجام می‌شود و نفوذ و تأثیر رسانه تا جایی است که برخی از نظریه پردازان ارتباطی بر این باورند که رسانه‌ها اولویت ذهنی و حتی رفتاری ما را تعیین می‌کنند و اگر چگونه فکر کردن را به ما یاد ندهند، اینکه به چه چیزی فکر کنیم را به ما می‌آموزند. کودکان و نوجوانان، برنامه‌ها را با ربط دادن آنها به سایر نظام‌های معنایی حاضر در زندگی روزانه تفسیر می‌کنند. علاوه بر خود کودک یا نوجوان، محیط پیرامون نیز در تأثیر گرفتن از برنامه‌های تلویزیونی اهمیت دارد. یکی از مهم‌ترین عناصر، والدین و خانواده است. نظارت والدین و نوع برخورد با نوجوانان، در روند تأثیرپذیری و تفسیر برنامه‌های تلویزیونی از سوی نوجوانان مهم است.

از دیدگاه مربیان، خشونت تلویزیونی بیشتر از آنکه بر نگرش کودکان تأثیر بگذارد بر رفتار آنها تأثیر می‌گذارد؛ این در حالی است که مشاوران کلینیکی با این شدت از تأثیرات خشونت تلویزیونی سخن نمی‌گویند و بر این باورند که خشونت تلویزیونی نمی‌تواند تأثیرات تا این حد گسترده‌ای را روی کودکان بگذارد. آنها بر خلاف مربیان مکاتب تأثیرات کوتاه مدت خشونت تلویزیونی باور دارند و معتقدند خشونت تلویزیونی به تنهایی و بدون دخالت دیگر عوامل نمی‌تواند سبب پرخاشگری در کودکان شود و فیلم‌های خشونت‌آمیز تلویزیون به میزان بیشتری می‌تواند بر کودکان تأثیر بگذارد که از شرایط خانوادگی مطلوب و جو آرامی در خانه برخوردار نیستند.

شخصیت‌های مختلف در برنامه‌های تلویزیونی خشونت را به روش‌های مختلف اعمال می‌کنند. تحقیقات نشان می‌دهند، بینندگان گروه‌های سنی مختلف، بیشتر از شخصیت‌های مهاجمی تقلید می‌کنند و خشونت را از افرادی فرا می‌گیرند که آنها را شخصیت‌های جذابی تشخیص داده باشند.

## پیشنهادات

- ✓ با توجه به اهمیت و نقش تلویزیون در زندگی اجتماعی کودکان و نوجوانان، برنامه‌سازان تلویزیونی برنامه‌های را با اهداف از پیش تعیین شده آموزشی، فرهنگی، اجتماعی و علمی ... متناسب با سن و شرایط روانی، توانایی و ذهنی کودکان و نوجوانان باشد.
- ✓ صحنه‌های خشن یا منافی عفت (که البته در رسانه‌های غربی و سایت‌های اینترنتی بیشتر نمود پیدا می‌کند) می‌توانند بر کودکان و نوجوانان اثری دراز مدت داشته باشند و زندگی جنسی آنان را درجهتی خاص هدایت کنند، در این زمینه توجه خاص والدین را می‌طلبد تا از نشان دادن برای فرزندان و داشتن کنترل تماشای چنین ویدیوها در سایت‌های اینترنتی یا موبایل‌های دست داشته‌شان آگاه باشند.
- ✓ پخش بعضی از فیلم‌ها در رسانه‌ها و عدم کنترل والدین بالای برنامه‌های خشن ویدیویی عامل مؤثر در خشونت واقعی کودکان بوده، برنامه‌سازان و انیمیشن‌سازان کشورما باید بکوشند با تقویت تولیدات داخلی البته در جهت سالم سازی تلویزیون ما را از خریداری و پخش چنین محصولات بی‌نیاز سازند و دنیایی بهتر را برای کودکان به تصویر بکشند.
- ✓ آموزش سواد رسانه‌ای در مکاتب و خانواده‌ها بویژه سنین ابتدایی از امور ویژه‌ای است که وزارت معارف کشور باید جز برنامه‌های خود قرار دهد تا از این طریق کودکان از آسیب‌های احتمالی که محتوای برنامه‌های تلویزیونی و همچنین سی‌دی‌هایی که از فروشگاه‌ها خریداری می‌شوند، به‌همراه دارند مصئون بمانند.
- ✓ خانواده‌ها با اطفال‌شان بخصوص با کودکان زیر سن ۵ سال در اوقات فراغت بازی‌های مشترک داشته باشند و در صورت تماشای تلویزیون و کارتون‌ها برنامه‌های تخیلی و واقعی برای کودکان‌شان توضیح دهند.

## مآخذ

1. آذری، سعید. (۱۳۷۷). *اثرات رفتاری تلویزیون بر کودکان و نوجوانان*. مجله پژوهش و سنجش شماره ۱۵ و ۱۶.
2. سیدامینی، به‌یانه. (۱۳۸۹). *نقش تماشای تلویزیون در ایجاد چاقی و مشکلات رفتاری کودکان*. نشریه پرستاری ایران. دوره ۳۳، شماره ۶۷. صص ۸-۲۴.
3. توسلی، غلامعباس و فاضل، رضا. (۱۳۸۱). *تأثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی و رفتاری والدین بر اثربخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان*. مجله جامعه‌شناسی ایران. دوره چهارم؛ شماره (۳). صص ۱۱۵-۱۴۷.
4. کریمی‌پور، جواد. (۱۳۸۷). *تبلیغات رسانه‌ای و تغییر نگرش مخاطبان*. تهران. مجله پژوهش و سنجش. شماره ۲۹، سال نهم.
5. حکیم‌آرا، محمدعلی. (۱۳۸۸). *روان‌شناسی رسانه*. تهران: انتشارات دانشکده، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
6. شفیع، نوذر. (۱۳۸۳). *تئوری خشونت سازی رسانه‌ها*. ماهنامه همشهری دیپلماتیک. شماره ۲۳. مهرماه.
7. فولادی راد، فرزاد. (۱۳۹۱). *بررسی خشونت تلویزیونی با خشونت واقعی در میان کودکان*. مطالعات رسانه‌ای. سال هفتم، شماره هجدهم. صص ۱۱۳-۱۲۵.
8. قجری، حسینعلی و پشت‌مساری، سمیه محسنی. (۱۴۰۱). *تحلیلی بر نقش شخصیت‌های کارتونی غیر ایرانی در الگوپذیری فرهنگی کودکان از منظر والدین*. فصلنامه علمی- پژوهشی. سال ۱۳، شماره (۲۵). صص ۸۹-۱۱۸.
9. ودودی، الهه. (۱۳۸۹). *آثار منفی تلویزیون بر سلامت کودکان*. مجله پژوهش و سنجش. شماره (۱۴). صص ۵۰-۸۷-۱۱۰.
10. شرام، ویلبر. لایل، چک و بی پارکر، ادوین. (۱۳۷۷). *تلویزیون در زندگی کودکان ما*. مترجم: محمود حقیقت کاشانی. تهران انتشارات: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه صدا و سیما.
1. 1. فاضل، رضا. (۱۳۸۷). *رابطه رفتار والدین و پایگاه اجتماعی-اقتصادی با تماشای خشونت تلویزیونی و تأیید و توسل به آن در کودکان*. فصلنامه پژوهش و سنجش؛ سال ۱۵، شماره ۵۴. صص ۳۱۰-۳۱۱.
1. 2. سورین، ویز و تانکار، جیمز. (۱۳۸۱). *نظریه ارتباطات*. ترجمه: دکتر علیرضا دهقان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

- 1 3 . علوی، نیا و سادات، فرشته. (۱۳۸۳). بررسی تأثیر برنامه‌های تلویزیون بر روی رفتار اجتماعی نوجوانان ۱۰ تا ۱۵ ساله منطقه ۵ شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آشتیان.
- 1 4 . مورتمر، ب. ژاکمن. (۱۳۷۲). *قربانیان خشونت تلویزیونی*. ترجمه: فرید ادیب هاشمی. سال چهارم. شماره (۲).
- 1 5 . پوپر، کارل و کندری، جان. (۱۳۷۴). *خطر برای دموکراسی*. ترجمه سروش. مجله پژوهش و سنجش.
- 1 6 . منطقی، مرتضی. (۱۳۸۰). بررسی پیامدهای بازی‌های ویدیویی و رایانه‌ای. تهران. انتشارات: فرهنگ دانش.
- 1 7 . خداهشهری، آمنه دقیقی و بانسی، لیلا. (۱۳۹۳). رابطه میان زمان تماشای تلویزیون با اضافه وزن و اضطراب دانش‌آموزان. فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی. سال بیست‌ویکم. شماره ۴ (پیاپی ۸۰) صص ۱۵۷-۱۷۷.
- 1 8 . نوقایی، علی دلشاد و همکاران. (۱۳۹۲). تأثیر آموزش بر اساس تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده بر میزان و نحوه نظارت والدین بر تماشای تلویزیون دانش‌آموزان. فصلنامه علمی دانشگاه علوم پزشکی تربت حیدریه. دوره‌ی اول. شماره ۴. صص ۷-۱۷.
- 1 9 . Gunter, Barrie and McAleer, Jill. (2005). *Children and television*. London and New York. Taylor & Francis e- library.
- 2 0 . Maccoby, E, E., (1951). Television: its impact on school children. Public copinion
- 2 1 . Maccoby, Eleanor E., Levin, H., and selya, B. M. (1995). *The Effect of Emotional arousal on the Relation of Aggressive and nonaggressive movie content*. American psychologist, 19: 359.
- 2 2 . Adam Patel, Ismail. (2023). *The Effects of Television on children*. Jannah online. Volume: 2/ Issue7. Pp 1-5. ([http:// www. Islam basics.com](http://www.Islam basics.com)).

سایت‌ها

. (<http://www.pezeshk. Us> (1386/3/20)

سایت خبری خامه پرس. افغانستان

سایت اطلاع رسانی افغانستان